

مقایسه شرایط و آثار اشتباه در قرارداد بین حقوق ایران و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UNIDROIT)

احمد یوسفی صادقلو*

روناک امجدی**

الهام سادات مرتضوی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

چکیده

به‌طور کلی بین مفهوم اشتباه در قواعد داخلی و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (اصول یونیدروا)، تمایزی وجود ندارد. اما با بررسی اصول یونیدروا و تطبیق آن با قواعد داخلی درخصوص انواع اشتباه، شرایط و آثار آن در قراردادهای تشابهات و تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. چنانچه قواعد یونیدروا برخلاف دکترین حقوقی و قواعد داخلی ما که به بیان انواع اشتباه پرداخته‌اند، با ترسیم قاعده‌ای نامحدود در قبول اقسام اشتباه، به تبیین شرایطی درخصوص طرفین قرارداد به‌عنوان عاملی در پذیرش یا عدم پذیرش اشتباه مؤثر در قرارداد و متعاقباً تعلق ضمانت‌اجرای حق ابطال، راجع به آن پرداخته است. بنابراین برخلاف قواعد داخلی که ضمانت اجرای ابطال و حق فسخ را پذیرفته، اصول یونیدروا با ارائه راهکارهایی همچون حق ابطال قرارداد، تطبیق قرارداد و دریافت خسارت، مانعی در راستای بطلان کامل قرارداد ایجاد نموده است.

هدف از این پژوهش، بررسی تطبیقی مفهوم، شرایط و آثار حاکم بر اشتباه مؤثر در قرارداد در حقوق مدنی ایران و اصول یونیدروا است تا با تحلیل این قواعد و شناخت نقاط اشتراک و افتراق آنها حتی‌المقدور در راستای آشکارسازی و رفع ابهامات موجود در قواعد داخلی و تطبیق آن با قواعد یونیدروا در مسیر هرچه بیشتر استحکام و ایجاد اطمینان قراردادی در حیطه داخلی و بین‌المللی راهکاری ارائه شود.

کلید واژگان:

عیوب اراده، اشتباه مؤثر، شروط اشتباه، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، یونیدروا.

* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

a_yousefi_2005@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران (نویسنده مسئول)

iran.amjadi.zn@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

es.mortazavi@yahoo.com



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)^۱ در حوزه حقوق خصوصی در سال ۱۹۲۶ به‌عنوان یک ارگان نوعی جامعه ملل در شهر رم ایتالیا ایجاد شده است؛ لذا به دلیل لزوم و ضرورتی که در راستای ایجاد هماهنگی میان قوانین ملی و تفسیر و تکمیل اسناد حقوقی بین‌المللی احساس می‌کند، مبادرت به انتشار قواعدی با عنوان «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی معروف به یونیدروا» کرده است که بی‌اغراق می‌توان آن را یکی از بی‌نظیرترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی دانست.

بنابراین با توجه به اینکه ایران نیز از سال ۱۳۴۳ عضو این مؤسسه است، نه‌تنها این «اصول»^۲ به‌عنوان یک نمونه برای قانون‌گذاری بین‌المللی استفاده می‌شود، بلکه برای تفسیر، تکمیل و رفع ابهامات موجود در قواعد داخلی نیز به‌عنوان مدل و نمونه‌ای می‌تواند راهگشای قانون‌گذار داخلی باشد. قانون مدنی ایران در زمینه انواع اشتباه و آثار آن در مواد ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱ مبهم عمل کرده است. ماده ۱۹۹ ق.م.ا.ت.م اشتباه را به‌عنوان عیب اراده پذیرفته و متقابلاً در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ به بیان انواع اشتباه در خود موضوع معامله و شخص طرف معامله می‌پردازد و در این راستا آثاری همچون عدم نفوذ، بطلان و حق فسخ را بر این قسم از اشتباهات بار می‌نماید؛ لذا با بررسی تطبیقی مبانی، اقسام، شرایط و آثار اشتباه مؤثر در قواعد داخلی و اصول یونیدروا به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که لزوم پذیرش برخی شرایط راجع به طرفین معامله در وقوع اشتباه مؤثر در قرارداد تا چه میزان اهمیت دارد؟ آیا با توجه به عدم بیان اقسام اشتباه در اصول یونیدروا می‌توان بیان داشت که تمامی انواع اشتباه بیان‌شده در قواعد داخلی مورد پذیرش این اصول نیز است؟ و آیا می‌توان قائل بر این نظر بود که اصول یونیدروا با توجه به اینکه حقوق مشتبه را نیز در نظر گرفته است، در راستای استحکام قراردادها گام محکمی برداشته است؟

بنابراین به منظور پاسخ به این پرسش‌ها، در ابتدا به مقایسه تعریف اشتباه و مفاهیم مرتبط با آن بین اصول یونیدروا و قواعد داخلی می‌پردازیم؛ سپس اقسام و آثار اشتباه مؤثر در قیاس میان این دو بررسی خواهد شد.

۱. UNIDROIT مخفف Unification Institut International pour du Droit Prive است.

۲. از این پس منظور از «اصول»، اصول یونیدروا است.

۱. مفهوم و تعریف اشتباه در قواعد داخلی و اصول یونیدروا

به منظور بررسی مفهوم و تعریف اشتباه در قواعد داخلی و اصول یونیدروا، به تعریف اشتباه در این دو به شرح ذیل می‌پردازیم:

۱.۱. تعریف اشتباه در قواعد داخلی

از نظر لغوی اشتباه در معنای پوشیده شدن، باز نشناختن و سهو و خطا است^۱ و از نظر اصطلاحی یعنی تصور غلط راجع به چیزی. در اشتباه ممکن است امری که واقعیت دارد غلط، و امری که واقعیت ندارد، درست تصور شود.^۲

برخی از حقوق دانان در تعریف اشتباه بیان داشته‌اند: «اشتباه تصور نادرستی است که آدمی از چیزی دارد و در مبحث معاملات عبارت است از تصور نادرست معامله‌کننده درباره یکی از ارکان و عناصر عقد»^۳. ایشان صراحتاً اشتباه را در بحث معاملات تعریف کرده‌اند و عنوان معامله‌کننده، هر دو طرف معامله را که مشتبه قرار گیرد، شامل می‌شود.

به طور کلی اعمال حقوقی در صورتی اعتبار دارد که با اراده مبنای آن مطابق باشد. اراده را تصوری فراهم می‌آورد که شخص از واقعیت‌ها پیدا می‌کند، پس هرگاه این تصور با واقع مخالف باشد، اراده را معلول می‌سازد و طبیعی است که قصد و رضای مبتنی بر آن اثر متعارف را نداشته باشد.^۴

اساساً قانون‌گذار ما در قانون مدنی تعریف مشخصی از اشتباه ارائه نداده است. در حقوق اسلام و فقه امامیه نیز فقها اشتباه را به عنوان عیب اراده مطالعه، و تعریف خاصی برای آن ارائه نکرده‌اند؛ اما این به معنای بی‌توجهی آنها به این امر نیست، بلکه اشتباه و احکام را باید در مباحثی همچون شروط و خيارات و تطابق ایجاب و قبول در کتب فقهی جست.^۵

۱. محقق داماد، سیدمصطفی، سیدحسن وحدتی شبیری، جلیل فنوتی و ابراهیم عبدی‌پور، **حقوق قراردادها فقه امامیه**، ج ۲، چ ۳، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳؛ معین، محمد، **فرهنگ معین**، ج ۱ و ۲، چ ۵، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴، ص ۲۷۸.

۲. حیاتی، عباس، **قواعد عمومی قراردادها (حقوق مدنی ۳) قواعد عمومی قراردادها**، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹.

۳. صفایی، سید حسین، **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، ج ۲، چ ۶ تهران: نشر میزان، ص ۸۷.

۴. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۱، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۴ ش ۲۰۸، ص ۲۹۵.

۵. همان، ش ۲۱۷، ص ۴۱۵.

۱.۲. تعریف اشتباه در اصول یونیدروا

اساساً از نگاه تدوین‌کنندگان این اصول، اشتباه فرضی غیرمنطبق با واقعیت است که درخصوص اوضاع و احوال واقعی یا قانونی موجود در زمان تشکیل قرارداد وجود دارد و با توجه به شرایطی که درباره اشتباه مؤثر ترسیم کرده‌اند و حدوث آنها در زمان انعقاد قرارداد آن را از دلایل ابطال قرارداد می‌دانند.

به‌طور کلی بیان می‌شود که قواعد راجع به اجتناب از اشتباه در قرارداد بدون شک جالب‌ترین و خلاقانه‌ترین بخش از فصل سوم، «اصول» را به خود اختصاص داده است که به‌نوعی نشان‌دهنده تلاش‌های ابتدایی حقوق‌دانان در راستای هماهنگ‌سازی این موضوع دشوار و گیج‌کننده در نظام‌های حقوقی مختلف است. چنانچه برخلاف قانون ما که تعریفی از اشتباه ارائه نداده است، «اصول» اشتباه را براساس ماده ۱-۲-۳ چنین تعریف می‌کند: «اشتباه عبارت است از فرضی غیرمنطقی با واقع مرتبط با امور موضوعی یا حکمی که در زمان انعقاد قرارداد موجود بوده‌اند»^۱. با این تعریف، به‌نظر می‌رسد زمان انعقاد قرارداد در تحقق اشتباه عاملی اساسی است. هدف از تعیین این عامل زمانی، متمایز ساختن موارد اعمال قواعد مربوط به اشتباه همراه با طرق جبران خاص آن، از مواردی است که با عدم اجرا ارتباط دارند. درواقع، یک مورد نوعی از اشتباه ممکن است بسته به دیدگاهی که اتخاذ شده است، اغلب با همان قطعیت به‌عنوان موردی تلقی شود که در آن وجود یک مانع باعث جلوگیری یا تأخیر در اجرای یک قرارداد می‌شود. چنانچه اگر یکی از طرف‌های قرارداد با برداشتی غلط از زمینه واقعی یا حقوقی یک قرارداد در نتیجه با قضاوتی نادرست از چشم اندازه‌های آن قرارداد، به انعقاد قراردادی مبادرت کند، قواعد راجع به اشتباه اعمال می‌شوند. از سوی دیگر، چنانچه یکی از طرفین قرارداد برداشت درستی از اوضاع و احوال محیط قرارداد داشته باشد، اما درباره چشم‌اندازهای ناشی از قرارداد، قضاوت نادرستی انجام دهد و براین اساس بعدها از انجام دادن تعهداتش خودداری کند، مورد مزبور را باید از مصادیق عدم اجرای تعهد دانست، نه از مصادیق اشتباه.^۲

1. "Mistak is on erroneous assumption relating to law existing when the contract was concluded"

۲. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، (اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی)، ج ۶، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰.

اگرچه در قانون مدنی ما اشتباه در زمان انعقاد قرارداد به‌عنوان یکی از شرایط تأثیر اشتباه بیان نشده است، پر واضح است که طرفین قرارداد یا یکی از آنها باید به هنگام انعقاد قرارداد چنان دچار اشتباه درخصوص واقعیت‌های موجود شده باشد که اگر آگاه به آن بود، هرگز چنین قراردادی را منعقد نمی‌کرد.

در نتیجه، به‌نظر می‌رسد که در تطبیق مفهوم اشتباه در حقوق ایران و اصول، اختلاف اساسی وجود ندارد و با توجه به اینکه اساس اشتباه مؤثر چه در حقوق ما و چه در «اصول» بر پایه تصور خلاف واقع شکل می‌گیرد و از طرفی دیگر درخصوص زمان انعقاد قرارداد نیز اختلاف اساسی وجود ندارد، اشتباه هم در حقوق ما و هم در اصول یونیدروا به یک معنا باشد.

۲. بررسی مفاهیم مرتبط با اشتباه در اصول یونیدروا در قیاس با قواعد داخلی

عموماً از برخی واژگان همچون جهل، غلط، خطا، سهو، غفلت، نسیان، تدلیس و حسن‌نیت، مسامحتاً به‌عنوان اشتباه یاد می‌شود و شناخت این واژگان و تشخیص وجوه اشتراک و افتراق آنها باعث می‌گردد مفهوم و کاربرد اشتباه از دیگر مفاهیم باز شناخته شود؛ اما از آنجایی که تنها مفاهیم مرتبط با اشتباه که در «اصول» بیان گردیده، مفاهیمی چون «تدلیس» و «حسن‌نیت» است، لذا به‌دلیل محدودیت مقاله حاضر در اینجا تنها به بررسی این دو مفهوم می‌پردازیم.

۲.۱. رابطه اشتباه و تدلیس در قواعد داخلی

عیوب اراده در نظام حقوق ما، محدود به اشتباه و اکراه است و قانون مدنی تدلیس و غبن را از عیوب اراده نمی‌داند و عقد را در این موارد صحیح و البته قابل فسخ می‌داند.^۱ برخی از حقوق‌دانان که نظرشان نیز مورد قبول واقع شده است، معتقدند که هرگاه تدلیس منجر به اشتباه در وصف اساسی موضوع معامله شود، موجب بطلان معامله و در جایی که منجر به اشتباه در اوصاف فرعی شود، حق فسخ ایجاد می‌کند. زیرا اگر اشتباه در اوصاف اساسی ایجاد شود، فرقی نمی‌کند که ناشی از تدلیس باشد یا خیر و درهرحال منجر به بطلان می‌شود.^۲

۱. بیات، فرهاد و شیرین بیات، **حقوق مدنی (شرح جامع قانون مدنی)**، ج ۱۹، تهران: انتشارات ارشد، ۱۳۹۹. ص ۱۶۷.

۲. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۵، ش ۱۰۴۱، ص ۳۶۲؛ صفایی، سید حسین، **دوره مقدماتی حقوق مدنی منبع پیشین**، صص ۲۹۳-۱۰۱.

در حقوق مدنی، تدلیس در بخش‌های اختیارات آمده است؛ اما چنانچه در بحث اشتباه آمد، اشتباه نتیجه تصور نادرست و ناآگاهی خود شخص و یا در بعضی مواقع ناشی از اظهارات و اعمال نادرست یا همان تدلیس دیگری است. در نتیجه، با توجه به تفاسیر حقوق دانان تفاوتی در این مورد بین منشأ این تصور غلط وجود ندارد که ناشی از خود شخص باشد و یا سرمنشأ آن دیگری باشد. بنابراین هر یک از اشتباه و تدلیس قلمروی خاص خود را می‌یابد. اگر در معامله‌ای تدلیس منجر به اشتباه در خود موضوع معامله گردد یا منجر به اشتباه در علت عمده عقد شود، عقد باطل می‌شود و محلی برای اعمال خیار تدلیس باقی نمی‌ماند.^۱

۲.۲. رابطه اشتباه و تدلیس در اصول یونیدروا

ماده ۳-۲-۵ «اصول» مقرر داشته است:^۲ «در صورتی که یک طرف بر اثر تدلیس طرف دیگر، به انعقاد قرارداد ترغیب و هدایت شده باشد، می‌تواند قرارداد را ابطال کند. تدلیس شامل بیان یا رفتار یا عدم افشای فریبکارانه اوضاع و احوالی می‌شود که برطبق معیارهای متعارف تجاری برای معامله منصفانه، طرف دیگر موظف به افشای آنها بوده است». از عبارت «عدم افشای فریبکارانه» به نظر می‌رسد، تدلیس از منظر «اصول» دارای هر دو عنصر مادی و روانی است. همین‌طور سکوتی که حاکی از پنهان نمودن واقعیت باشد. در اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز سکوت پنهان‌کننده حقیقت تحت عنوان «تدلیس در قرارداد» پذیرفته شده است.^۳ با تدقیق در این ماده، اجتناب از انعقاد قرارداد زمانی امکان‌پذیر است که یکی از طرفین متعاقد به وسیله رفتار متقابلانه طرف دیگر قرارداد، از جمله اظهارات، عملیات یا عدم افشای متقابلانه شرایط و اوضاع و احوالی که مطابق با استانداردهای منطقی تجاری منصفانه باید آشکار شود، ترغیب به انعقاد قرارداد شده باشد.^۴ بنابراین آنچه به طرف فریب‌خورده حق ابطال می‌دهد، اظهار، رفتار یا عدم افشای فریبکارانه است که منظور، به اشتباه انداختن طرف دیگر و کسب منافی به قیمت ضرر زدن به طرف دیگر باشد.

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴، ص ۴۶۶.

۲. ماده ۵۲۳ از فصل سوم اصول یونیدروا.

3. Lando, Ole and Beale, Hugh, "The Principles European contract law", Part I and II, 2000, p.232.

4. A.Kramer, Ernst (1999), "Contractual Validity Accordig to the UNIDROIT Principles", *European Journal of Law Reform*, Vol. 1, No.3, P.272.

ابطال قرارداد از سوی یک طرف بر اساس وقوع فریب، با ابطال آن در برخی از انواع اشتباه تشابهاتی دارد. فریب را می‌توان مورد خاصی از اشتباه در نظر گرفت که عامل آن طرف دیگر است. ماهیت فریب چنان است که وجود آن بدون اینکه نیاز به دیگر شرایط مقرر در ماده فوق‌الذکر باشد، دلیل کافی برای ابطال قرارداد است.^۱ در نتیجه در قیاس بین قانون مدنی و اصول «UNIDROIT» به نظر می‌رسد، برخلاف حقوق مدنی ما که تدلیس ایجاد حق فسخ می‌نماید و تنها زمانی که در اوصاف اساسی عقد اشتباه حادث شود، منجر به ابطال معامله می‌گردد، در «اصول» هر زمانی که تدلیس صورت گیرد، مشتبه می‌تواند قرارداد را باطل نماید.

۲.۳. رابطه اشتباه و حسن نیت در قواعد داخلی

در قانون مدنی فرانسه، آلمان و سوئیس مواد قانونی به صورت اختصاصی به مسئله حسن نیت پرداخته‌اند.^۲ در قانون مدنی ایران به‌طور مشخص مواد قانونی به این مهم اختصاص نیافته است؛ اما این به مفهوم عدم پذیرش اصل حسن نیت نیست. همینطور قاعده «لاضرر» و «غرور» ثابت می‌نمایند که در فقه امامیه نیز حسن نیت مورد توجه قرار گرفته است. از برخی مواد قانونی نیز از جمله مواد ۱۱ و ۱۲ قانون بیمه و ماده ۲۶۳ ق.م.پیداست که قانون‌گذار نیز به‌طور ضمنی حسن نیت را پذیرفته است؛ چنانچه در معامله فصولی در خصوص رجوع متعامل آگاه و متعامل ناآگاه به فصولی برای گرفتن غرامت آمده است. همین‌طور یکی از قواعدی که منجر به تکمیل اصل لزوم وفای به عهد می‌گردد، قاعده حسن نیت در اجرای قرارداد است.^۳

بر اساس حقوق مدنی ما که اثر اشتباه را بطلان و در صورت صدق عنوان تدلیس یا در مواردی که اشتباه در اوصاف اساسی واقع نشده، خيار فسخ می‌داند، به نظر می‌رسد درجایی که ضمانت اجرای بطلان حاکم است، حسن نیت نمی‌تواند بازدارنده واقع گردد؛ زیرا با این تفسیر چگونه می‌توان امر معدومی را با اعمال حسن نیت و رضایت احیا نمود. با این حال، این مسئله تا حدودی ممکن است تعدیل گردد؛ همچون زمانی که اشتباه در اوصاف اساسی واقع نشده یا صدق عنوان تدلیس جاری است که در این وضعیت نمی‌توان به بطلان حکم نمود. چنانچه در برخی از

۱. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، صص ۱۳۷_۱۳۸.

۲. ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه؛ مواد ۹۴۵ تا ۹۳۲ قانون مدنی آلمان؛ مواد ۹۳۳ و ۹۳۴ قانون مدنی سوئیس.

۳. شفائی، محمدرضا، بررسی تطبیقی نظریه اوضاع و احوال در قراردادها، ج ۱، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶، ص ۸۶.

قواعد حقوقی همچون شق دوم ماده ۴۸۲ ق.م در خصوص مال الاجاره معیوب به نظر می‌رسد، حسن نیت متعامل و جبران ضرر زیان دیده مانعی در اجرای حق فسخ ناشی از اشتباه است و این مبانی می‌تواند تأییدی بر جریان حسن نیت بر بعضی از معاملات و در نتیجه تقدم بر آثار حقوقی اشتباه باشد.^۱

۲.۴. رابطه اشتباه و حسن نیت در اصول یونیدروا

ماده ۷-۱ اصول یونیدروا مقرر می‌دارد:

(۱) در تجارت بین‌المللی، هر طرف قرارداد باید مطابق با حسن نیت و معامله منصفانه اقدام کند.

(۲) طرفین نمی‌توانند این تکلیف را مستثنا یا محدود کنند.

یکی از اصول بسیار مورد توجه در قواعد یونیدروا، اصل «حسن نیت» و «معامله منصفانه»^۲ است. چنانچه می‌توان آن را یکی از ایده‌های بنیادین «اصول» دانست. به طوری که اگرچه طرفین قرارداد پس از مذاکره و پیش از انعقاد قرارداد مسئولیتی ندارند، اگر یکی از طرفین به طور فعال در مذاکرات، بدون قصد دستیابی به توافق شرکت نماید، متهم به داشتن سوءنیت، و مسئول خسارات وارده به طرف دیگر می‌شود.^۳

از ماده مذکور چنین استنباط می‌شود که حتی در صورت نبودن مقررات خاصی در «اصول» رفتار طرفین در طول مدت اعتبار قرارداد از جمله در روند مذاکره، باید منطبق با اصل حسن نیت و معامله منصفانه باشد و طرفین قرارداد با توجه به بند (۲) این ماده نمی‌توانند آن را براساس قرارداد مستثنی یا محدود کنند.^۴ نکته حائز اهمیت آنکه هرگاه مقررات اصول یا توضیحات ارائه شده راجع به آنها را به «حسن نیت» ارجاع می‌دهند، باید ارجاعات مزبور را همیشه ارجاع به «حسن نیت و معامله منصفانه در تجارت بین‌الملل» آن گونه که در این ماده مشخص است، تلقی نمود.^۵

۱. موسوی، سید محمد صادق، مبانی نظری جهل و اشتباه و آثار آن بر اعمال حقوقی، ج ۱، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲، صص ۴۸۹-۴۹۰.

2. Fair dealing.

3. "Analysis to the unidroit principles of International commercial contracts", 2010. Available at: https://www.primerus.com/business_law_articles/Analysis_of_the_unidroit_principles_of_International_commercial_contracts_2010_htm.

۴. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۲۲.

۵. همان، ص ۲۵.

در قانون مدنی ما اگرچه به‌طور ضمنی حسن‌نیت در روح قانون ملحوظ گردیده است، چنین معیار کلی وجود ندارد. در قواعد مربوط به اشتباه نیز به داشتن حسن‌نیت و معامله منصفانه به‌عنوان یک اصل کلی پرداخته نشده است، لذا با توجه به اهمیت این موضوع بهتر است که قانون‌گذار ما نیز قواعدی را به پیروی از اغلب نظام‌های حقوقی پیشرفته دنیا در خصوص «حسن‌نیت و معامله منصفانه» تدوین نماید.

۳. بررسی اشتباه موضوعی و اشتباه حکمی در قواعد داخلی و اصول یونیدروا

در قانون مدنی ما به‌صراحت به اشتباه موضوعی و اشتباه حکمی اشاره نشده، اما در این خصوص بحث‌های گسترده‌ای مطرح شده است. زمانی که اشتباه در خصوص متعلق حکم حادث شود، اشتباه موضوعی است و در جایی که راجع به حکم قضیه‌ای باشد، به آن اشتباه حکمی اطلاق می‌شود. منظور از اشتباه موضوعی، موضوع اشتباه متعلق حکم است و نه موضوع معامله و نباید این دو را با یکدیگر مترادف دانست، اگرچه اشتباه در موضوع معامله نیز نوعی اشتباه موضوعی محسوب می‌شود.^۱

نکته آنکه اشتباه موضوعی درباره واقعات خارجی است؛ بدین بیان که اشتباه می‌تواند درباره نوع و ماهیت معامله، اوصاف موضوع معامله، ارزش موضوع معامله، اشتباه در علت تعهد، اشتباه در جهت معامله، اشتباه در خود موضوع معامله و اشتباه در طرف قرارداد باشد. به عبارتی دیگر، شخص در این نوع اشتباه در خصوص متعلق حکم قانون دچار تصور خلاف واقع می‌شود؛ درحالی که از اصل حکم قانونی مطلع است.^۲

در «اصول» براساس ماده ۱۲۳ در خصوص اشتباه موضوعی و حکمی چنین آمده است: «اشتباه عبارت است از فرضی غیرمنطبق با واقع و مرتبط با امور موضوعی یا حکمی که در زمان انعقاد قرارداد موجود بوده‌اند». بر این اساس، واضح است که در این ماده اشتباه موضوعی در مرتبه‌ای مساوی با اشتباه حکمی قرار گرفته است و با توجه به پیچیدگی روزافزون نظام‌های حقوقی جدید برخورد حقوقی یکسان با این دو نوع اشتباه موجه است. با این حال، در تجارت فرامرزی، مشکلات

۱. آخوندی، روح اله، نجاد علی الماسی و عباس کریمی، **اشتباه در قرارداد با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلستان**، چ ۱، تهران: ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۴۳.
 ۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمیولوژی حقوق**، چ ۲۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۳۷۶.

ناشی از این پیچیدگی شدت می‌یابد؛ چراکه امکان دارد معامله منفرد، تحت تأثیر نظام‌های حقوقی بیگانه باشد و نتیجتاً نظام‌های حقوقی ناآشنا بر معامله مزبور تأثیر بگذارند.^۱ در ماده مذکور، مفهوم اشتباه توضیح می‌دهد که فرضیات نادرست مرتبط به واقعیت در مرتبه‌ای مساوی با فرضیات مربوط به قانون قرار می‌گیرند.^۲

در حقوق ایران نیز از نظر منطقی بین این دو اشتباه تمایزی وجود ندارد؛ زیرا چه تفاوتی می‌کند تصور نادرستی که مبنای تصمیم قرار می‌گیرد و اراده را معلول می‌سازد، ناشی از جهل به موضوع باشد یا جهل به قانون؟!^۳ اما به‌طور کلی میان حقوق دانان در خصوص پذیرش اشتباه حکمی یا قانونی اختلاف نظر وجود دارد. برخی اشتباه حکمی را مؤثر در عقد نمی‌دانند؛ زیرا معتقدند از آنجایی که هیچ‌کس جاهل به قانون فرض نمی‌شود، پس موجبی برای ابطال قرارداد وجود ندارد.^۴

اما برخی دیگر از حقوق دانان بیان داشته‌اند،^۵ قاعده «جهل به حکم رفع تکلیف نمی‌کند»، در حقوق خصوصی قاعده‌ای مطلق نیست و گاه به‌طور استثنایی رعایت نمی‌شود. فرض آگاه بودن همگان از قانون مخالفت با واقع است؛ زیرا گاه اجرای درست قانون ملازمه با پذیرفتن جهل به آن دارد؛ خصوصاً در جایی که هدف قانون‌گذار حمایت از کسانی است که کاری را ندانسته و به اشتباه انجام داده‌اند یا در جایی که مقصود از وضع قانون حفظ منافع اشخاصی باشد که با حسن‌نیت مرتکب عمل نامشروعی شده‌اند، در این صورت ادعای جهل به قانون پذیرفته خواهد شد. در حقوق ما به‌طور مجزا هر یک از اقسام اشتباه موضوعی بررسی شده است؛ اما در ماده ۱۲۳ «اصول»، اگرچه اشتباه موضوعی در جایگاهی برابر با اشتباه حکمی، دارند، ولی این به‌معنای عدم پذیرش مصادیق متعدد اشتباه موضوعی نیست؛ بلکه به‌نظر می‌رسد از نظر «اصول» هر اشتباه موضوعی که در قرارداد حادث گردد و شرایط عنوان شده در «اصول» را داشته باشد،

۱. اخلاقی بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۱۹.

۲. A.Kramer, Ernst, *op cit*, p.p. 271-276.

۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ش ۲۰۹، ص ۳۹۶؛ حیاتی، منبع پیشین، ص ۲۱۵.

۴. انسون، حقوق قراردادها، ص ۲۷۳؛ کوربن، قراردادها، ص ۲۶۹؛ به نقل از: کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی

قراردادها، ج ۱، منبع پیشین، ش ۲۰۹، ص ۳۹۷.

۵. همان.

ممکن است حق ابطال قرارداد را به مشتبه بدهد. نتیجتاً «اصول» به جای تمرکز بر مصادیق اشتباه موضوعی، به شرایط طرفین قرارداد در مؤثر واقع گردیدن اشتباه می‌پردازد.

۴. شرایط تأثیر اشتباه در قرارداد و مصادیق آن

به منظور بررسی شرایط تأثیر اشتباه و مصادیق آن در حقوق و قواعد داخلی این مطالب را در دو بند جداگانه به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ نخست، شرایط تأثیر اشتباه در عقد در حقوق داخلی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم؛ دوم، موارد و مصادیقی را که از منظر قانون مدنی اشتباه در آنها مؤثر در عقد است، بررسی می‌کنیم.

۴.۱. شرایط تأثیر اشتباه در حقوق داخلی

برای تحقق توافق اراده، باید قصد مقرون به رضا باشد. قصد یا موجود است یا معدوم؛ بنابراین قصد معلول متصور نمی‌شود؛ اما رضا ممکن است معلول باشد و رضای معتبر در معامله، رضایی است که معلول نیست و از روی طیب خاطر حاصل شده باشد. (ماده ۱۹۹ ق.م) البته اشتباه به اعتبار موارد فرق می‌کند. در برخی موارد ممکن است به اندازه‌ای باشد که رضا را از بین ببرد و در برخی مواقع تنها رضا را معلول سازد و در بعضی دیگر به حدی است که نه موجب فقدان رضا است و نه آن را معلول می‌سازد.^۱ با این توصیف، در قلمروی قراردادها، اشتباهات متنوع و متعددی ممکن است حادث بشود که درجه تأثیر آنها بر قرارداد یکسان نیست. لذا در اینجا به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم.

۴.۱.۱. اشتباه در علت عمده عقد (اشتباه اساسی)

یکی از شرایط تأثیر اشتباه در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا، مهم و اساسی بودن اشتباه در عقد است و معیار تشخیص اشتباه اساسی این است که علت عمده عقد باشد. علت عمده عقد انگیزه اصلی انعقاد قرارداد است؛ به طوری که اگر مشتبه از واقعیت آگاه بود، هرگز مبادرت به انعقاد چنین معامله‌ای نمی‌نمود. ماده ۲۰۱ ق.م چنین مقرر می‌دارد: «اشتباه در شخص طرف قرار داد به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده

۱. شایگان، سید علی، حقوق مدنی، ج ۱، قزوین: انتشارات طه، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲.

باشد». اگرچه این ماده در مورد اشتباه بر شخص آمده است، اما شرط مورد بحث را می‌توان به عنوان قاعده‌ای عام از آن استنباط نمود.

برخی در تعبیر علت عمده عقد، معتقدند اشتباه باید جوهری باشد.^۱ برای تمیز «علت عمده عقد» ضابطه عامی وجود ندارد. در هر دعوی، دادرس باید بر مبنای اوضاع و احوال خاص آن، تراضی تشخیص دهد. به طور کلی برای تمییز درجه تأثیر اشتباه و چگونگی خواسته‌های باطنی، علم حقوق وسیله کافی در اختیار ندارد و چاره در این است که به جای کاوش در انگیزه‌ها و نیت‌های ویژه هر معامل، دادرس از راه توجه و اماره‌ها و اوضاع و احوال خارجی، تعیین کند که اشتباه مورد ادعا در اراده معاملی متعارف که در همان وضع خاص قرار می‌گیرد، اثر قاطع دارد یا خیر؟ بی‌گمان جهتی که در محاوره‌ها بیان شده و مبنای تراضی قرار گرفته است، علت عمده عقد است، هرچند که نامتعارف باشد. ولی در فرضی که دادرس راهی به درون اشخاص ندارد، ناچار باید عرف را معیار تمیز قرار دهد.^۲

۴.۱.۲. لزوم وجود اشتباه در قلمروی تراضی طرفین

اساساً اشتباه درباره جنس مورد معامله، یا وصف ذاتی و اوصاف فرعی آن زمانی مؤثر است که این امور متعلق انشا و در قلمروی تراضی طرفین قرار گرفته باشند و صرف قصور و اعتقاد یک جانبه یک طرف معامله درباره جنس مورد معامله و اینکه دارای وصف خاصی است، حتی اگر بعداً خلافش ثابت شود که اشتباه کرده، تأثیری بر سرنوشت عقد ندارد.^۳

به عقیده برخی در قانون مدنی ایران در مورد اشتراک در اشتباه آن گونه که عده‌ای از حقوق دانان فرانسوی آن را پذیرفته‌اند،^۴ صراحتاً اظهارنظری نشده است. بنابراین در مقایسه با نظرات حقوق خارجی که عمدتاً دو شرط، اساسی بودن اشتباه و دیگری اشتراک در اشتباه را مطرح نموده‌اند، در حقوق ما تنها شرط اول لازم است و این شرط ملاک کلی در اشتباه مؤثر بوده و اختصاص به موضوع یا شخصیت طرف عقد ندارد.^۵

۱. سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح قانون مدنی جدید، ج ۱، دارالنشر قاهره، ۱۹۸۵ م، ص ۳۱۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، ش ۲۱۱، صص ۴۰۰-۴۰۱.

۳. محقق داماد، سیدمصطفی، سیدحسن وحدتی شبیری، جلیل قنوتی و ابراهیم عبدی پور، منبع پیشین، ص ۱۶۵.

۴. ژوسران، دوره حقوق مدنی موضوعه فرانسه، ش ۷۲، دالوز، فرهنگ حقوق مدنی، کلمه اشتباه، ش ۵۲

(به نقل از کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، ص ۴۰۲).

۵. رهپیک، حسن، منبع پیشین، صص ۸۵-۸۶.

۴.۱.۳. اشتباه در بیان، تفسیر و انتقال اراده

اراده‌ی ظاهری با اراده‌ی باطنی شخص متفاوت است و چون اشتباه در تفسیر و بیان اراده منجر به تفاوت اراده‌ی واقعی و اراده‌ی ظاهری اعلام شده می‌شود، باید آن را در حکم اشتباه اراده در نظر گرفت.

در فرض اشتباه در بیان اراده، موجب به دلیل عدم دقت چیزی را ابراز می‌کند که با اراده‌ی باطنی وی مغایرت دارد. در نتیجه عدم تطابق اراده‌ی باطنی با ظاهری باعث می‌شود قصد انشاء، سلامت خود را از دست می‌دهد. البته در حقوق ما در تعارض اراده‌ی باطنی با اراده‌ی ظاهری حکومت با اراده‌ی باطنی است. با وجود این، قانون مدنی ما ظاهر را معتبر می‌شمارد و معانی الفاظ عقد را محمول بر معانی عرفیه می‌داند. از سوی دیگر تفاوت بین اشتباهی که در تکوین و بیان اراده واقع می‌گردد و زمانی که این اشتباه در انتقال و تعبیر اراده رخ می‌دهد، این است در مورد اول، اشتباه حالتی است که در نفس کسی که اراده از او صادر شده است، اتفاق افتاده و در مورد دوم، اشتباه حالتی است که در نفس شخصی که اراده صادر شده متوجه اوست، ایجاد شده است.^۱ در این وضعیت در نتیجه اشتباه و عدم تطابق ایجاب و قبول عقد واقع نمی‌شود.

۴.۲. مصادیق اشتباه مؤثر از منظر قانون مدنی

قواعد مربوط به اشتباه در مواد ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱ قانون مدنی آمده است. اطلاق ماده ۱۹۹ در مورد رضای حاصل از اشتباه در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ مقید به اشتباه در خود موضوع معامله و شخصیت طرف شده است.^۲ اگرچه از ملاک این مواد قانونی دیگر شرایط تأثیر اشتباه که پیش‌تر ذکر شد، قابل استنباط است. قانون مدنی بحث اشتباه را در ذیل بحث قصد آورده است؛ این امر بیانگر آن است که اشتباه در قصد معاملی اثر می‌گذارد و تأثیر در قصد ممکن است از طریق اشتباه در خود موضوع معامله یا شخصیت طرف معامله باشد. البته در ماده ۱۹۴ ق.م نیز نوع دیگری از اشتباه بیان شده است که به دلیل عدم تطابق دو قصد اصولاً معامله‌ای تحقق نمی‌یابد. این نوع از اشتباه به اشتباه مانع معروف است.^۳

۱. سنه‌وری، عبدالرزاق، منبع پیشین، ص ۲۹۱.

۲. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ج ۵، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳.

۳. ره پیک، حسن، نظریه جهت در اعمال حقوقی، ج ۱، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۷۶، ص ۸۶.

بنابراین در ادامه به اشتباه در خود موضوع معامله و شخصیت طرف معامله، به اختصار خواهیم پرداخت.

۴.۲.۱. اشتباه در خود موضوع معامله

براساس ماده ۲۰۰ ق.م، اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود، این است که چه تفاوتی بین موضوع معامله و خود موضوع معامله وجود دارد؟ در تعریف موضوع معامله آمده است: «موضوع معامله عبارت است از مبادله دو مال یا ایجاد تعهد و به‌طور کلی اعمالی که برای تحقق یافتن آن تراضی می‌شود»^۱ افزودن قید «خود» به موضوع معامله نشانه آن است که قانون‌گذار هر اشتباهی را که در موضوع معامله اتفاق افتد، در نفوذ عقد مؤثر نمی‌داند. پس باید دید وجود کدام ویژگی قید تراضی است و با خود موضوع معامله مطلوب واحد را تشکیل می‌دهد. لذا قید «خود» بر موضوع معامله نشان از این دارد که وصف ذاتی باید مربوط به مورد تعهد باشد و نه در زمره انگیزه ایجاد و رغبت به انجام دادن معامله در یک طرف.^۲

در حقوق فرانسه، حقوق‌دانان در تشریح «خود موضوع معامله» سه نظریه نوعی، شخصی و مختلط را ارائه نموده‌اند که در میان حقوق‌دانان ما نیز طرف‌داران و مخالفان بسیاری دارد.^۳ اما به‌طور کلی در حقوق ایران صورت عرفیه به‌قدری اهمیت دارد که در صورت عدم ذکر اراده طرفین درخصوص وصف اساسی مورد نظرشان به سراغ عرف رفته، براین اساس اظهار نظر می‌شود.

۴.۲.۲. اشتباه در شخص طرف معامله

براساس ماده ۲۰۱ ق.م، منظور از اشتباه در شخص و شخصیت، هویت جسمانی یا اوصاف جوهری، و علت عمده، به‌معنای انگیزه اصلی است.^۴

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۴، ش ۲۲۱، ص ۴۲۵.

۲. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، ش ۲۲۲، ص ۴۲۶.

۳. برای مطالعه در این خصوص می‌توانید به این منابع مراجعه کنید: ذاکری، رضا، اشتباه و تاثیر آن در قراردادها، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلیس، آمریکا، تبریز: انتشارات فروش، ص ۶۴؛ کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، ش ۲۲۵، ص ۴۳۶؛ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، منبع پیشین، ش ۵۵۶ به بعد؛ صفایی، سید حسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوقی تطبیقی، چ ۳، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱؛ آخوندی، روح‌الله، نجاد علی الماسی و عباس کریمی، منبع پیشین، صص ۱۶۳-۱۹۰.

۴. ره پیک، حسن، منبع پیشین، ص ۱۵۰.

اصولاً در قراردادهای معوض، شخصیت طرف علت عمده نیست و آنچه اهمیت دارد، مبادله عوضین است.^۱ با توجه به این مقدمه، اگرچه طرفین در قراردادهای معوض معمولاً خصوصیتی ندارند، اما این مسئله در خصوص بیع عین معین صحیح به نظر می‌رسد؛ اما در جایی که یکی از عوضین کلی در ذمه باشد، مطابقت میان ایجاب و قبول ضرورت دارد؛ زیرا ذمه اشخاص از حیث قابلیت اطمینان و اعتبار آنها و رغبت فروشنده در مورد شخصی که ثمن در ذمه او قرار گرفته، برحسب اینکه معسر یا مالدار باشد، متفاوت خواهد بود.^۲

بنابراین در قراردادهای معوض نیز ممکن است مانند شرکت‌های شخصی و تضامنی یا اگر موضوع قرارداد خدمت شخصی با مهارت منحصر به فرد است، شخص طرف معامله داعی اصلی عقد باشد. همین‌طور در جایی که قرارداد به لحاظ شخصیت طرف منعقد می‌شود، همچون قراردادهای اجاره و وام، از این‌رو اگر اشتباه در هویت جسمی طرف قرارداد واقع گردد، معامله باطل است.^۳

۵. شرایط تأثیر اشتباه در قرارداد در اصول یونیدروا

از منظر «اصول» برای اثبات اینکه اشتباهی در قرارداد مؤثر است یا خیر، وجود شرایطی در طرفین قرارداد لازم قلمداد شده است. به‌طوری که ماده ۲-۲-۳ از فصل سوم اصول به بیان شرایط اشتباه مؤثر پرداخته و در بند اول آن میزان اهمیت یک اشتباه که منجر به ابطال قرارداد می‌شود، بیان شده و ذیل این بند شرایط ناظر بر طرفی غیر از مشتبه و شرایط راجع به مشتبه آمده است. همین‌طور ماده ۳-۲-۳، به اشتباه در بیان یا انتقال مطلب دیگری اشاره دارد. بنابراین ذیل این بحث به‌طور مجزا به تحلیل و بررسی هر یک از این قواعد می‌پردازیم.

۱. شیروی، عبدالحسین، **حقوق قراردادها، انتقاد، آثار و انحلال**، ج ۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۶، ص ۵۸.

۲. خوبی، **مصباح الفقاهه**، ج ۳، ص ۷۰-۷۳؛ نائینی، **منیه الطالب**، ج ۱، ص ۳۷۱؛ طباطبایی یزدی، **حاشیه مکاسب**، ج ۱، ص ۱۱۷ (نقل از: محقق داماد، سید مصطفی سیدمصطفی، سیدحسن وحدتی شبیری، جلیل قنواتی و ابراهیم عبدی پور، منبع پیشین، ص ۱۵۵).

۳. کاتوزیان، ناصر، **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، منبع پیشین، صص ۹۶-۹۵.

۵.۱. شرایط مربوط به طرف مقابل طرف اشتباه‌کننده و خود طرف اشتباه‌کننده (مشتبه)

ماد، ۲-۳-۳ «اصول» تحت عنوان «اشتباه مؤثر» مقرر می‌دارد:

۱. «هریک از طرف‌های قرارداد فقط در صورتی می‌تواند قرارداد را به دلیل وقوع اشتباه ابطال کند که به هنگام انعقاد قرارداد، اشتباه چنان بااهمیت بوده که اگر شخصی متعارف در همان موقعیت طرف اشتباه‌کننده قرار می‌گرفت، قرارداد را با شروطی اساساً متفاوت منعقد می‌کرد یا چنانچه وضعیت حقیقی امور شناخته شده بودند، اصلاً آن را منعقد نمی‌کرد؛ و (الف) طرف دیگر همان اشتباه را مرتکب شده، یا موجب وقوع اشتباه شده یا از اشتباه مطلع بوده یا باید مطلع می‌بوده‌است، و این امر، مغایر با معیارهای تجاری متعارف در معامله منصفانه است که طرف به اشتباه افتاده را در اشتباه رها کرد؛ یا (ب) در زمان ابطال، طرف دیگر با اتکا به قرارداد، اقدام معقولی انجام نداده باشد.

۲. اما در موارد زیر، طرف قرار داد نمی‌تواند آن را ابطال کند:

(الف) اگر طرف مزبور در ارتکاب اشتباه، تقصیر سنگینی را مرتکب شده باشد؛ یا (ب) اشتباه با موضوعی مرتبط باشد که در مورد آن، مسئولیت‌پذیری ناشی از اشتباه را طرف اشتباه‌کننده بر عهده گرفته یا با توجه به اوضاع و احوال، باید بر عهده می‌گرفته است. در بند نخست این ماده از یک معیار تلفیقی عینی/ شخصی برای میزان اهمیت اشتباه استفاده شده است که نشان می‌دهد برای اینکه اشتباه مؤثر افتد، باید فاحش باشد.^۱ بدین معنا که یک شخص متعارف اگر در همان موقعیت اشتباه‌کننده قرار می‌گرفت چه می‌کرد؟ در این حالت تنها در صورتی قرارداد بدلیل وقوع اشتباه قابل ابطال و اشتباه فاحش می‌گردد که شخص متعارف قرارداد را با شروطی اساساً متمایز منعقد می‌کرد یا به هیچ وجه منعقد نمی‌نمود.

برخلاف دکترین حقوقی ما که اغلب در تشریح اشتباه مؤثر به طرح عوامل اساسی و مشخص قراردادی اعم از علت عمده عقد و اشتباه اساسی می‌پردازد، در «اصول» به فرمولی غیر محدود استناد شده است که این رویکرد انعطاف‌پذیر زمینه را برای دخیل دانستن مقاصد متعاملین و اوضاع و احوال هر قضیه باز می‌گذارد؛ اگرچه باید در تفسیر این اوضاع و احوال به

۱. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۳۱.

برخی از استانداردهای عمومی و عرف‌های تجاری مرتبط نیز اهمیت قائل شد؛ زیرا در معاملات تجاری به‌طور معمول برخی اشتباهات همچون اشتباه در بهای کالاها، خدمات یا انتظارات صرف و یا انگیزه‌های طرف اشتباه‌کننده، مؤثر تلقی نمی‌شود. همین‌طور اگر چه به‌صورت مطلق خیر، همین حکم درباره اشتباهات مربوط به هویت طرف دیگر یا اوصاف فردی وی نیز صادق است؛ بلکه حتی در شرایطی خاص امکان دارد این اشتباهات مؤثر و اساسی قلمداد شوند.^۱

با وجود این، نباید از غیر محدود بودن فرمول ارائه‌شده به این نتیجه رسید که هر عمل اشتباهی که واقع می‌شود، مؤثر در قرارداد است؛ زیرا قبل از اینکه قرارداد تحت تأثیر اشتباه طرفین قرار گیرد، باید پیامدهای حقوقی واقعی و قابل توجهی وجود داشته باشد. همچنین هنگام تعیین این موضوع که آیا طبق ماده ۲-۲-۳ «اصول»، اشتباهی وجود دارد یا خیر؟، یک معیار «شخص متعارف» وجود دارد.^۲

همین‌طور «اصول» در جزء (الف) این ماده به اشتباه مشترک و فردی توجه داشته است. اساساً اشتباه با توجه به اطراف قرارداد براساس دکترین حقوقی به اشتباه فردی، اشتباه مشترک و اشتباه متقابل تقسیم شده است. منظور از اشتباه مشترک، اشتباهی است که هر دو طرف قرارداد در موضوع خاصی دچار اشتباه شده‌اند یا اینکه یک طرف معامله به اشتباه طرف مقابل آگاه باشد و یا اینکه عرفاً بتواند نسبت به اشتباه طرف دیگر آگاه گردد.^۳ اما قانون‌گذار ما به صرف اینکه یکی از طرفین دچار اشتباه شود، اشتباه را محقق می‌داند و تفاوتی بین اشتباه فردی و مشترک قائل نیست. ضمن اینکه اگر اساس اشتباه را بر عدم مطابقت واقعیت با قصد یا عیب رضا قلمداد کنیم، ضرورتی بر اشتراک در اشتباه وجود نخواهد داشت.^۴

وجه مشترک سه شرط اول، که در جزء (الف) از بند (۱) ذکر شده اند، این است که اگر طرف غیر اشتباه‌کننده به نحوی در اشتباه طرف اشتباه‌کننده شریک باشد، شایسته حمایت نخواهد بود و مشتبه قادر به ابطال قرارداد است؛ یعنی شرط اول این است که طرفین از اشتباه مشترکی زبان

۱. همان.

2. Nwafor, Nduisi Augustine, "comparative and critical Analysis of the Doctrine of Exemption /Frustration /Force Majeure under the United Nations Convention on the Contract for International Sale of Goods, English Law and UNIDROIT Principles", University of Stirling, Stirling, Scotland, 2015, P.205.

۳. رهپیک، حسن، منبع پیشین، ص ۹۴.

۴. همان، ص ۵۵.

دیده باشند.^۱ اساساً در اشتباه مشترک و اشتباه متقابل هر دو طرف دچار مشکل شده‌اند؛ با این تفاوت که در اشتباه مشترک یک توافق ظاهری بین طرفین وجود دارد، اگرچه قصد واقعی آنها با هم مغایر است؛ در صورتی که در اشتباه متقابل، حتی موافقت ظاهری هم وجود ندارد^۲ و به نظر، اگرچه در قواعد یونیدروا اشاره‌ای به اشتباه متقابل نشده است، این امر نافی عدم پذیرش آن در اصول نیست؛ زیرا برخلاف اشتباه مشترک، در اشتباه متقابل موافقت ظاهری هم وجود ندارد و این نشان‌دهنده اهمیت این نوع از اشتباه حتی نسبت به اشتباه مشترک است. در شروط دوم و سوم مطروحه در همین جزء، اصول در مقام بیان اشتباه فردی است؛ به طوری که شرط دوم مطرح می‌کند، باید دلیل اشتباه مشتبه طرف دیگر قرارداد باشد و این در حالتی است که بتوان ارتباطی سلسله‌وار بین اشتباه و ارائه مشخص واقعیت‌ها از سوی طرف دیگر برقرار کرد؛ چه این ارائه صریح باشد یا ضمنی یا همراه با عمد و تقصیر و یا بدون عمد و تقصیر، یا اشتباه مرتبط با رفتاری باشد که در اوضاع و احوال خاص به منزله ارائه واقعیتی باشد. چنانچه حتی سکوت هم ممکن است سبب اشتباه باشد.^۳

شرط سوم اینکه طرف دیگر از اشتباه طرف اشتباه‌کننده مطلع بوده یا باید مطلع بوده باشد و این امر را مغایر با معیارهای تجاری متعارف در معامله منصفانه می‌داند که طرف به اشتباه‌افتاده را در اشتباه رها کند. البته بار اثباتی این مسئله که باید طرف دیگر، مشتبه را آگاه می‌کرد، برعهده طرف اشتباه‌کننده است.

یکی دیگر از شروط ابطال که در جزء (ب) ماده آمده، عدم اقدام معقول به اتکای قرارداد از سوی طرف دیگر مشتبه در زمان ابطال قرارداد را یکی از شروط ابطال قرارداد پذیرفته است. به عبارت دیگر، از سوی طرف مقابل مشتبه، نباید در زمان ابطال هیچ‌گونه تصمیم و اقدام منطقی صورت گرفته باشد.^۴ از این مطلب اساساً چنین به ذهن متبادر می‌شود که مبنای وجود چنین شرطی در این ماده جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از سوی هر یک از طرفین قرارداد است که با ابطال قرارداد امکان دارد صورت بگیرد.

۱. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۳۲.

۲. ذاکری، رضا، منبع پیشین، صص ۱۰ - ۱۱.

۳. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۳۲.

4. A. Kramer, Ernst, *op cit*, P.279.

«اصول» در این جزء از ماده واژه «reasonably» را به کار برده است که به معنای منطقی و معقول است. این واژه در اینجا حاکی از این است که اقدام طرف مقابل باید اقدامی معقول و منطقی در راستای اجرای موضوع قرارداد باشد، تا مانع ابطال قرارداد از سوی مشتبه گردد؛ زیرا اگر چنین قیدی وجود نداشته باشد، ممکن است شخصی به طور غیرمنطقی با آگاهی به وجود اشتباه در قرارداد با سوءاستفاده از این ماده و برای جلوگیری از ابطال احتمالی قرارداد به طور غیرمعقول و با سرعت زمانی غیرمتعارف اقدام به اتکای قرارداد نماید و حق مشتبه را به منظور ابطال قرارداد با استناد به این شرط از ماده زائل کند.

از طرفی دیگر، در ابتدای جزء (ب) از عبارت «در زمان ابطال» استفاده شده است که منظور از آن براساس مواد ۱۰-۱ و ۱۲-۲-۳ اصول، دادن اخطار ابطال در مدت زمانی متعارف پس از اینکه طرف ابطال کننده از واقعیت‌های مرتبط آگاه شده یا نمی‌توانسته از آنها بی‌اطلاع باشد و زمانی که قابلیت اقدام آزادانه را به دست آورده است، می‌باشد. به نظر می‌رسد این قید نیز به دلیل ممانعت از تعلل و تأخیر و از طرفی سوءاستفاده‌های احتمالی مشتبه آمده است. با این فرض که امکان دارد طرف اشتباه کننده با وجود اینکه به وجود اشتباهی اساسی در قرارداد علم دارد، مبادرت به دادن اخطار ابطال در زمان متعارف چه از روی مسامحه و چه از روی عمد نکند و این عدم اقدام به موقع به ورود ضرر و زیان به طرف قرارداد بینجامد.

با این تفاسیر، چنین استدلال می‌شود که اصول یونیدروا در جزء (ب) ظرافت دقیقی اعمال کرده و از هر دو منظر (از طرف اشتباه کننده و طرف مقابل وی) به این مسئله پرداخته است؛ به طوری که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین شرایط تأثیر اشتباه در ابطال قرارداد دانست.

از سویی دیگر، بند ۲ درصدد بیان شرایط راجع به طرف اشتباه کننده است و در صورت وقوع شرایط مطروحه در جزء (الف) و (ب) این بند، مشتبه قادر به ابطال قرارداد نیست، حتی اگر شروط مقرر شده در بند یک رعایت شود.

بر طبق جز (الف) بند ۲ این ماده، در جایی که مشتبه در ارتکاب اشتباه تقصیر سنگینی را مرتکب شود، امکان ابطال قرارداد وجود ندارد. در توضیح جزء (ب) از بند ۲ این ماده برخی چنین گفته‌اند که اشتباه مربوط به موضوعی باشد که در رابطه با آن، خطر اشتباه بر مشتبه فرض شده

است یا با توجه به شرایط باید به عهده شخص خطا کار باشد.^۱ طرف‌های اشتباه به‌طور کلی مسئول سهل‌انگاری خود بوده‌اند و همین‌طور مسئول خطراتی هستند که معمولاً توسط طرفین متعاقد متحمل می‌شوند.^۲

برعهده گرفتن مسئولیت احتمالی خطر اشتباه از جنبه‌های غالب در قراردادهای احتمالی است. در چنین حالتی، طرف مذکور حق ندارد که بر مبنای اشتباه خود، قرارداد را ابطال کند. برای مثال، فروشنده یک تابلوی نقاشی که نسبتاً ناشناخته و منسوب به نام «ج» است، به قیمت منصفانه‌ای به شخص خریدار می‌فروشد و متعاقباً معلوم می‌شود که نقاش تابلو، فردی مشهور بوده‌است. در این وضعیت، فروشنده قادر به ابطال قرارداد فروش بر این مبنای نخواهد بود؛ زیرا این واقعیت که تابلو فقط به «ج» منتسب است، به‌طور ضمنی این احتمال خطر را در بر دارد که شاید هنرمند مشهور دیگری تابلو را کشیده باشد. زمانی که دو طرف مسئولیت خطراتی را در یک قرارداد احتمالی به عهده می‌گیرند، نمی‌توان به دلیل اشتباه آن را ابطال نمود. مانند تحولات راجع به قیمت‌ها و نرخ‌های مبادله ارز، چراکه اشتباه در این صورت مربوط به واقعیت‌هایی نیست که در زمان انعقاد قرارداد وجود داشته است.^۳

در حقوق ایران چنین تقسیم‌بندی در خصوص اشتباه مؤثر وجود ندارد. به‌طوری که حتی اگر از سوی مشتبه سهل‌انگاری نیز صورت گیرد و اشتباه در نتیجه آن باشد، باز هم مانعی در مسیر تأثیر اشتباه محسوب نمی‌گردد. البته به نظر می‌رسد چنین تمرکزی بر اطراف قرارداد در تنظیم قواعد راجع به اشتباه مؤثر در «اصول» به‌نوعی با عدالت و انصاف نزدیک‌تر بوده و مانع تحمیل ضرری ناروا بر هریک از طرفین قرارداد می‌شود. به‌عبارتی دیگر، در «اصول» اشتباه هریک از طرفین باید فاحش باشد و به‌صرف تحقق خود اشتباه در قرارداد آثار اساسی از خود در معامله به جای نمی‌گذارد.

۵.۲. اشتباه در بیان اراده یا انتقال مطلب

ماده ۳-۲-۳ «اصول» مقرر می‌دارد:

1. A.Kramer, Ernst, *op cit*, p.278.

2. M.Perillo, Joseph, "Unidroit Principles of International Commercial Con: The Black Letter Text and a Review", *Fordham Low Review*, vol 63, 1994, p.292.

۳. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۳۴.

«اشتباهی که در بیان یا انتقال مطلب دیگری رخ می‌دهد، اشتباه فردی در نظر گرفته می‌شود که اعلام را انجام داده است.»

در این ماده دو فرض در نظر گرفته شده است؛ اشتباه در بیان اراده و اشتباه در تعبیر و انتقال اراده دو موضوع متفاوت از یکدیگرند که در ذیل مورد بررسی قرار خواهیم داد:

— اشتباه در بیان اراده: اساساً اشتباه در بیان و انتقال مطلب با توجه به واژه «فردی»، اشتباه شخصی محسوب می‌شود که اعلام یا ارسال را انجام داده است.

اگر اشتباه در بیان یا انتقال مطلب دیگری به اندازه کافی مهم باشد. (به‌ویژه اگر به بیان غلط اعداد منجر شود)، دریافت‌کننده متوجه اشتباه می‌شود یا باید بشود؛ ولی در موردی که اشتباه تنها جنبه روانی دارد و گفتگوها و شرایط ابراز نگردیده است، به‌غایت دشوار می‌نماید.^۱

از آنجایی که «اصول» هرگز دریافت‌کننده ایجاب را از قبول چنین ایجابی منع نمی‌کند، فرستنده می‌تواند به استناد اشتباه، به شرط وجود شرایط ماده ۲-۲-۳، قرارداد را ابطال کند؛ خصوصاً اگر برای دریافت‌کننده ایجاب مغایر با معیارهای متعارف تجاری مربوط به معامله منصفانه باشد که وی فرستنده یا ایجاب‌دهنده را از اشتباه آگاه نگرداند. البته در مواردی که فرستنده از روشی برای انتقال استفاده می‌کند که با توجه به شرایط خاص، خودش علم داشته یا باید مطلع می‌بوده که روش مزبور نامطمئن است، امکان دارد فرستنده مسئولیت احتمالی اشتباه را برعهده گرفته باشد یا قبول این مسئولیت بر وی تحمیل شود.^۲ این استدلال در میان حقوق‌دانان ما نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.^۳

— اشتباه در تعبیر و انتقال اراده (اشتباه از سوی دریافت‌کننده): براساس ماده ۱۰-۱ «اصول»، انتقال پیام زمانی صورت می‌گیرد که دریافت‌کننده آن را وصول نماید. چنان‌که انتقال صحیح انجام گیرد، اما مخاطب مفهوم آن را به‌غلط دریابد، از حکم ماده ۳-۲-۳ خارج خواهد بود. اما این حکم در جایی که پیام به درستی به دستگاهی منتقل می‌شود، ولی دستگاه به علت نقص فنی متن را مخدوش می‌دهد، جاری است. همچنین است در جایی که پیام به‌صورت شفاهی به پیک مخاطب منتقل می‌شود، اما وی به دلیل فهم

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، منبع پیشین، ص ۴۲۲.

۲. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۳۵.

۳. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، صص ۴۲۰-۴۲۴.

نادرست از پیام آن را به‌درستی انتقال نمی‌دهد. در هر دو صورت، مخاطب قادر به درخواست ابطال قرارداد خواهد بود، اگر ثابت کند که پیام مزبور را به استناد برداشت غلط خود از پیام نادرست فرستنده داده است و همه شرایط ماده فوق‌الذکر نیز جمع باشد.^۱

طبق ماده ۲۰۰ ق.م، چنانچه در گذشته نیز بیان گردید، دکرترین حقوقی ما در تجزیه و تحلیل اشتباه در بیان، انتقال و تعبیر اراده، اغلب موضوع اراده باطنی و اراده ظاهری را در تشخیص اشتباه مؤثر مورد بررسی قرار داده و کمتر به طرفین قرارداد و انتساب اشتباه به فرستنده پیام یا ایجاب دهنده نظر داشته‌اند.

اساساً چون قانون مدنی ظاهر را محترم می‌شمرد و اثبات اشتباه را مهم‌ترین مانع در انعقاد عقد بیان می‌دارد، در نتیجه مدعی اشتباه باید وجود تصور نادرست و داعی قرار گرفتن آن را در دادگاه ثابت نماید تا منجر به ابطال قرارداد گردد.^۲

در این خصوص، به‌نظر می‌رسد «اصول» نیز همین قاعده را پذیرفته است و وجود ماده ۳-۲-۳ و تصور حق ابطال قرارداد برای فرستنده، در صورت جمع بودن شرایط ماده ۳-۲-۲، نافی این حق برای طرف دریافت‌کننده اشتباه نیست. چنانچه با توجه به ماده ۱۰-۱ اصول، در صورت جمع شرایط ماده ۳-۲-۲ و شرایطی که در فوق به آنها اشاره شد، دریافت‌کننده نیز قادر به ابطال قرارداد خواهد بود.

نکته قابل توجه راجع به بند نخست ماده ۳-۲-۸ «اصول» است که بیان می‌دارد: «در شرایطی که فریب، تهدید، اختلاف فاحش عوضین یا اشتباه یک طرف، قابل انتساب به شخص ثالث که طرف دیگر مسئول اقدامات اوست، باشد؛ یا این شخص ثالث از آن موارد آگاه بوده یا باید آگاه می‌بوده است، قرارداد را به همان طریقی می‌توان ابطال کرد که گویی رفتار یا آگاهی مذکور منتسب به خود طرف دیگر بوده است». در این ماده، نوعی فرض مسئولیت برای فردی شده است که ثالث به نمایندگی از سوی وی اقدام می‌کند. به‌طوری که اگر شخص ثالثی در روند مذاکره ذی‌ربط بوده یا در آن مداخله کرده و دلیل ابطال به هر طریق قابل انتساب به آن شخص است و یا شخص ثالث بدون نمایندگی و به ابتکار خود به نفع یکی از طرفین عمل کند، آن طرف مسئول افعال شخص ثالث است. در تمام این موارد، انتساب افعال شخص ثالث یا علم او،

۱. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین.

۲. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین.

خواه بالفعل و واقعی بوده یا حکمی به اوضاع و احوالی معین، موجه به نظر می‌رسد، صرف‌نظر از اینکه طرف مورد نظر در قرارداد از فعل شخص ثالث آگاه باشد یا خیر.^۱

۶. آثار اشتباه مؤثر در قرارداد در قواعد داخلی و اصول یونیدروا

به‌طور کلی به دلیل ابهامات موجود در بحث آثار اشتباه مؤثر در قانون مدنی ما، از سوی حقوق‌دانان نظریات متعددی مطرح شده است که عبارت‌اند از: بطلان، عدم نفوذ و حق فسخ. اساساً اشتباه در ماهیت عقد اشتباه در مقتضای ذات عقد، اشتباه در ماهیت موضوع عقد و همین‌طور اشتباه در هویت مادی طرف قرارداد، سبب بطلان قرارداد می‌شوند. از طرفی دیگر اشتباهاتی که تراضی را زائل می‌کنند، همچون اشتباه در صورت عرفی موضوع معامله یا اوصاف جوهری آن، خود موضوع معامله و اشتباه در علت عمده عقد، ذیل ضمانت اجرای بطلان قرار می‌گیرند. البته طبق ظاهر قانون مدنی اشتباه در خود موضوع معامله موجب عدم نفوذ است، اما بطلان آن با منطبق حقوقی سازگارتر است.

برخی از اشتباهات در اوصاف مهم مورد عقد، مشروط بر اینکه وارد قلمروی تراضی طرفین گردد، ایجاد حق فسخ می‌نماید. اوصاف مهم متمایز از اوصاف اساسی می‌باشند که منجر به بطلان معامله می‌شود.

اشتباه در اوصاف غیر مهم (مواد ۲۳۵ و ۴۱۰ ق.م) مشروط بر اینکه وارد قلمروی تراضی طرفین شود یا اشتباه در کمیّت مورد معامله در صورتی که جنبه فرعی داشته و وصف مبیع باشد، ایجاد حق فسخ می‌نماید. (م ۳۲۵ ق.م) همین‌طور اگر اشتباه ناشی از تدلیس (م ۴۳۸ ق.م) به شرط غیراساسی بودن باشد یا اشتباه فاحش در قیمت مورد معامله در جایی که بها ناشی از خود موضوع معامله نباشد، ایجاد حق فسخ می‌کند. اگرچه در تعارض اشتباه اساسی با تدلیس یا غبن (موضوع مواد ۴۱۶ الی ۴۲۶ ق.م)، اشتباه مقدم است و عقد باطل می‌شود.^۲

به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد در حقوق ما اشتباه محدود به حق فسخ و بطلان است. به‌طوری که از بررسی مواد قانون مدنی چنین می‌توان برداشت کرد که عدم نفوذ بیان شده در مواد ۱۹۹ و

۱. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۴۴.

۲. بیات، فرهاد و شیرین بیات، منبع پیشین، ص ۱۷۰.

۲۰۰ ق.م و همچنین منظور از واژه «خلل» که در ماده ۲۰۱ ق.م آمده است، با وحدت ملاک از ماده ۷۶۲ ق.م به معنای بطلان است.^۱

برخلاف قانون مدنی ما «اصول» همچون اصول حقوق قراردادهای اروپا، در حوزه آثار اشتباه در قرارداد، حق ابطال قرارداد، تطبیق قرارداد با تصور مشتبه و پرداخت خسارت به مشتبه را به‌عنوان آثار اشتباه مؤثر پذیرفته است. در اصول حقوق قراردادهای اروپا به دلیل اعتقاد به استحکام قراردادی، کمتر ضمانت اجرای بطلان مورد پذیرش واقع شده است. چنانچه قواعدی همچون تطبیق قرارداد و پرداخت خسارت به مشتبه به نوعی در ماده ۳-۱۰-۴ اصول قراردادهای اروپا را که در خصوص حق ابطال قرارداد است، محدود ساخته است.^۲ حال برای روشن شدن این بحث در ادامه به بررسی هر یک از آثار اشتباه مؤثر در اصول یونی‌دروا می‌پردازیم:

۶.۱. حق ابطال

در ماده ۲-۲-۳ «اصول»، با ذکر لزوم وجود شرایطی برای وقوع اشتباه مؤثر، حق ابطال قرارداد به مشتبه اعطا شده است. ماده مذکور حق ابطال را به‌صورت کلی در نظر گرفته، در صورتی که «اصول» حق ابطال را در هر دو محدوده کلی و جزئی پذیرفته است. چنانچه طبق ماده ۱۳-۲-۳، وقتی منشأ ابطال قرارداد فقط بر برخی از شروط آن مؤثر باشد، اثر ابطال به همان شروط محدود خواهد شد، مگر اینکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، تأثیر صحت بقیه قرارداد، غیرمعقول و غیرمتعارف باشد. این امر در کل، بستگی به این خواهد داشت که اگر طرف قرارداد احتمال می‌داد که شروط مورد نظر ممکن است تحت تأثیر دلایل ابطال قرار گیرند، آیا باز هم قرارداد را منعقد می‌کرد یا نه؟^۳

در قواعد مربوط به اشتباه، تدلیس، اختلاف فاحش عوضین و به‌طور کلی قواعد متعددی از فصل سوم اصول تحت شرایطی حق ابطال قرارداد به طرفین اعطا شده است.

۱. همان، صص ۱۷۳-۱۶۸.

2. Jansen, Nils and Reinhard. "Zimmern, contract Formation and Mistake in European Contract Law" *Oxford journal of Legal Studies*, vol.31, No.4, 2011, p 25.

۳. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۴۹.

براساس ماده ۱۴-۲-۳ «اصول» ابطال قرارداد اثر عطف به ماسبق‌شونده دارد؛ به عبارت دیگر، گویی که قرارداد هرگز وجود نداشته است. البته برخی از شروط قرارداد، ممکن است حتی در صورت ابطال کامل قرارداد اثر قانونی خود را حفظ کنند. مثل شروط داوری، صلاحیت قضایی و انتخاب قانون که از این دست شروط بوده و ممکن است طبق رأی دادگاه علیرغم دیگر شروط، اعتبار آنها محفوظ باقی بماند. البته قابلیت اجرای عملی آنها باید بر طبق قانون داخلی قابل اعمال تعیین شود.^۱

به موجب ماده ۱۵-۲-۳ «اصول» به محض ابطال قرارداد، هر یک از طرفین می‌توانند استرداد آنچه بر طبق قرارداد، یا آن بخش از قرارداد که ابطال شده و عرضه کرده است، مطالبه کند. تنها شرطی که برای این کار وجود دارد، این است که هرطرف آنچه بر طبق قرارداد یا بخشی از قرارداد که ابطال شده، دریافت کرده است باید به طرف دیگر مسترد کند.^۲

در دکتین حقوقی ما عقد قابل ابطال مورد پذیرش نیست و قابل ابطال بودن تنها در برخی مواد همچون ماده ۱۳۱ و ۲۷۰ ل.ا.ق.ت پذیرفته شده است^۳ که از مصادیق بطلان نسبی قلمداد می‌شود. البته برخی از نویسندگان حقوقی اخیراً ماده ۸۱۶ ق.م. را نیز مصداقی از بطلان نسبی در قانون مدنی ایران قلمداد نموده‌اند.^۴

۶.۲. تطبیق قرارداد

ماده ۱۰-۲-۳ «اصول» تحت عنوان «از دست دادن حق ابطال» مقرر داشته است: «(۱) اگر یکی از طرف‌های قرارداد به دلیل اشتباه، حق ابطال قرارداد را داشته باشد، اما طرف دیگر اعلام کند که می‌خواهد قرارداد را به همان صورتی که طرف مستحق ابطال آن را می‌فهمد، اجرا شود یا خود، آن را به همان صورت اجرا کند، چنین تلقی می‌شود که قرارداد به همان نحوی که طرف اول آن را فهمید، منعقد شده است. طرف دیگر باید بلافاصله بعد از اطلاع از نحوه تلقی

۱. همان، ص ۱۵۱.

۲. همان.

۳. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، منبع پیشین، صص ۳۰۷-۳۰۸.

۴. کریم پور آل هاشم، سید محمد نقی علوی، محمد مظهری و ناصر مسعودی، «موجبات بطلان نسبی در حقوق فرانسه و ایران و امکان سنجی آن در فقه امامیه»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، د ۱۴، ش ۵۱، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴.

قرارداد از سوی طرف مستحق ابطال و قبل از آنکه طرف مزبور بر مبنای اخطار ابطال، اقدامی کرده باشد، اجرا بر طبق تلقی طرف اول یا اجرای مورد نظر را عملی سازد.

(۲) پس از اعلام یا اجرای مزبور، حق ابطال از میان می‌رود و هر اخطار ابطال قبل از آن، فاقد اثر قانونی می‌شود».

«اصول» در این ماده به تطبیق قرارداد با تصور مشتبه پرداخته است. لذا چنانچه طرف اشتباه‌کننده متحمل زبانی شده باشد که با تعدیل قرارداد جبران نشود، تعدیل از سوی طرف دیگر باعث نمی‌شود که مشتبه از حق خود برای ادعای خسارت طبق ماده ۱۶-۲-۳ منع شود.^۱

در ماده ۱۱-۲-۳ آمده است: «حق یک طرف برای ابطال قرارداد، با دادن اخطار به طرف دیگر عملی می‌شود». با آمدن این ماده منظور از «اخطار» به کاررفته در بند ۲ ماده ۱۰-۲-۳ مذکور مشخص می‌گردد. طبق ماده ۱۱-۲-۳ اصلی بیان شده که بر مبنای آن، حق طرفین قرارداد برای ابطال آن، با دادن اخطار به طرف دیگر عملی می‌شود، بی‌آنکه همچون قواعد داخلی نیازی به مداخله دادگاه باشد.

اصولاً به دلیل اینکه قابلیت ابطال در حقوق ما متعارف نیست و جنبه استثنایی دارد، تطبیق قرارداد به مفهومی که در «اصول» آمده است نیز وجود ندارد. لذا قابلیت فسخ را نباید با قابلیت ابطال در جایگاهی یکسان قرار داد؛ عقد قابل فسخ نافذ است، اما به دلیل ضرر ناروایی که لزوم آن به بار می‌آورد، به حکم تراضی طرفین برای هر دو یا یکی از آنها و یا شخص ثالث خیار فسخ به وجود می‌آید. ولی عقد قابل ابطال از آغاز انعقاد به وسیله اشخاص مورد حمایت قانون‌گذار، قابل حذف است و به همین دلیل نیز آن را در شمار عقدهای باطل آورده‌اند، جز اینکه بطلان آن نسبی است.^۲

۶.۳. پرداخت خسارت مشتبه

ماده ۱۶-۲-۳ «اصول» مقرر داشته است: «صرف نظر از اینکه قرارداد ابطال شده است یا نه، طرفی که از دلیل ابطال آگاه بوده یا باید از آن آگاه می‌بوده است، مسئول پرداخت خسارت است؛

۱. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، منبع پیشین، ص ۱۴۷.

۲. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، صص ۳۰۷-۳۰۹؛ شعاریان، ابراهیم و ابراهیم ترابی، ترجمه و تطبیق اصول قراردادهای اروپا با حقوق ایران، چ ۱، تبریز: نشر فروزش، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳.

برای اینکه طرف دیگر را به همان وضعیتی برگرداند که در صورت عدم انعقاد قرارداد هم در آن وضعیت قرار می‌گرفت». چنانچه از این ماده پیداست، حق دریافت خسارت منوط به عدم ابطال قرارداد نشده است.

قاعده فوق‌الذکر در حقوق ایران نیز مورد پذیرش قرار گرفته و درخواست ابطال منافاتی با خواستن زیان‌های ناشی از تقصیر طرف قرارداد ندارد. چنان‌که در معاملات فضولی و اکراهی، مالک و مکره هم می‌توانند بطلان معامله را بخواهند و هم خسارت ناشی از این تقصیر را مطالبه کنند.^۱



۱. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، صص ۳۱۹-۳۲۱.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی اگرچه قانون‌گذار ما تعریفی از اشتباه ارائه نکرده و صراحتاً نیز به موضوع اشتباه حکمی و موضوعی نپرداخته است؛ اما از آنچه در خصوص تعریف اشتباه و بررسی اشتباه موضوعی و حکمی پیش‌تر ارائه شد، تفاوتی اساسی بین قواعد داخلی و اصول یونیدروا به‌نظر نمی‌رسد؛ چنانچه هر دو، اشتباه را به‌معنای تصور خلاف واقع در انجام یک عمل حقوقی پذیرفته‌اند. با این حال، صحیح‌تر به‌نظر می‌رسد، با توجه به اینکه در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش اشتباه حکمی حقوق‌دانان نظریات اختلافی و متعددی ابراز کرده‌اند، قانون‌گذار ما نیز همچون «اصول» با ارائه تعریفی روشن از اشتباه و اعلام نظر درباره قبول یا عدم قبول اشتباه حکمی به‌عنوان مبنای تصور خلاف واقع، نسبت به این مهم اعلام نظر می‌نمود.

از طرفی دیگر، در خصوص مفاهیم مرتبط با اشتباه، چنان‌که بیان گردید، حقوق ما انعطاف بیشتر و دسته‌بندی دقیق‌تری راجع به مصادیق تدلیس مطرح، و بسته به اوضاع و احوال قضیه ضمانت‌اجراهای متفاوتی تعیین کرده است. برخلاف «اصول» که هر زمان تدلیس صورت گیرد مشتبّه می‌تواند قرارداد را باطل کند. اما در خصوص موضوع «حسن نیت» از آنجایی که در بیشتر نظام‌های حقوقی پیشرفته و حقوق تجارت بین‌الملل از اهمیت بالایی برخوردار است و طرفین قرارداد را در طول روند مذاکره و حتی پیش از انعقاد قرارداد ملزم به رعایت اصل حسن نیت و معامله منصفانه می‌نماید؛ اگرچه در روح قوانین ما ملحوظ است، اما بهتر بود قانون‌گذار ما نیز همسو با نظام‌های حقوقی پیشرفته و در راستای ایجاد هرچه بیشتر اطمینان و استحکام قراردادی، «حسن نیت» را صراحتاً به‌عنوان قاعده‌ای کلی در بحث «شرایط صحت قراردادها» مقرر کند.

اساساً حقوق‌دانان ما در راستای تبیین شرایط تأثیر اشتباه، به متعلق قصد و رضا نظر داشته و اشتباه در واقعیات خارجی موضوع معامله و از سویی دیگر ورود اشتباه در قلمروی تراضی طرفین را از شرایط اساسی تأثیر اشتباه در قرارداد می‌دانند. بنابراین تقسیم‌بندی که در «اصول» در خصوص شرایط اشتباه مؤثر حاکم است، میان حقوق‌دانان ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا به نظر می‌رسد چنین تمرکزی که بر اطراف قرارداد در تنظیم قواعد راجع به اشتباه مؤثر در «اصول» وجود دارد، با عدالت و انصاف نزدیک‌تر است و مانع تحمیل ضرری ناروا بر هریک از طرفین قرارداد می‌شود. به عبارتی دیگر، در «اصول» اشتباه هر یک از طرفین باید فاحش باشد و

به‌صرف تحقق خود اشتباه در قرارداد، آثار اساسی از خود در معامله برجای نمی‌گذارد. بنابراین منصفانه خواهد بود اگر قانون‌گذار و حقوق‌دانان ما نیز به این مهم توجه داشته و در تشخیص و ترسیم شرایط تأثیر اشتباه در قرارداد، به اطراف قرارداد نیز نظر داشته باشند؛ چراکه این امر در تشخیص اشتباه مؤثر در قرارداد بسیار منصفانه‌تر و دقیق‌تر عمل، و مانعی در راستای سوءاستفاده‌های احتمالی هر یک از طرفین قرارداد ایجاد می‌کند.

با توجه به اینکه اشتباه در حقوق ما یکی از عیوب اراده محسوب می‌شود، توجه به قصد و رضا درباره اشتباه در موارد متعدد آثار متفاوتی خواهد داشت. چنانچه وقتی اشتباه مربوط به اوصاف اساسی موضوع معامله، یا راجع به خود موضوع معامله یا شخصیت طرف معامله درجایی که او علت عمده عقد است، می‌باشد، چنین فرض می‌شود که اساساً قصدی وجود ندارد و منجر به ابطال قرارداد می‌شود. اما درجایی که اشتباه مربوط به اوصاف غیراساسی اما مهم و یا اوصاف غیرمهمی که وارد قلمرو تراضی شده باشد یا اشتباهات راجع به کمیت زمانی که جنبه فرعی دارد و همین‌طور اشتباه در خصوص قیمت موضوع معامله تا جایی که مربوط به خود موضوع معامله نباشد، منجر به حق فسخ می‌شود. درحالی که در «اصول»، حق ابطال اعم از کلی و جزئی، تطبیق قرارداد با تصور مشتبه و پرداخت خسارت به وی به‌عنوان ضمانت اجرای اشتباه تعیین شده است. چنانچه بیان شد، بطلان قرارداد اساساً کاشف از این است که از ابتدا عقدی تشکیل نشده است و به‌طور کلی عقدی در عالم حقوق به وجود نیامده است. اما حق ابطال، حقی است در دست یکی از طرفین قرارداد که با اعمالش عقد را از ابتدا زایل می‌کند. بنابراین «اصول» بر این حق ابطال اثر عطف‌به‌ماسبق‌شونده در نظر گرفته است. با این توضیح، به نظر می‌رسد اعطای ضمانت اجرای حق ابطال در قرارداد به‌جای ابطال، سبب ایجاد هر چه بیشتر اطمینان عموم جامعه در مبادلات و معاملات شده و استحکام قرارداد را تأمین می‌نماید.

از طرفی دیگر، چنان‌که گفته شد، مبنای اشتباه در حقوق ایران مخدوش شدن قصد و عدم مطابقت اراده طرفین است که تماماً قرارداد را باطل می‌کند و چون عقد باطل مانع تشکیل عقد از ابتدا می‌گردد، قابلیت تطبیق با تصور مشتبه را نخواهد داشت. وقتی هم که اشتباه در قرارداد حق فسخ ایجاد می‌کند، طرفین می‌توانند با تراضی، قرارداد را با خواست مشترک یکدیگر تطبیق دهند و یکسان و هماهنگ سازند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آخوندی، روح اله، نجاد علی الماسی و عباس کریمی، **اشتباه در قرارداد با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلستان**، ج ۱، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
۲. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام، (ترجمه و تحقیق)، **اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی** (بر اساس نسخه ویرایش شده سال ۲۰۱۰)، ج ۶، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶.
۳. امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، ج ۱، چ ۱۵، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۴. امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، ج ۴، چ ۱۵، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵. بیات، فرهاد و شیرین بیات، **حقوق مدنی**، (شرح جامع قانون مدنی)، چ ۱۹، تهران: انتشارات ارشد، ۱۳۹۹.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمیولوژی حقوق**، چ ۲۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **تاثیر اراده در حقوق مدنی**، چ ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.
۸. حیاتی، عباس، **حقوق مدنی (۳) قواعد عمومی قراردادهای**، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۹. ذاکری، رضا، **اشتباه و تاثیر آن در قراردادهای مطالعه تطبیقی در حقوق ایران**، انگلیس، آمریکا، تبریز: انتشارات فروزش، ۱۳۹۰.
۱۰. ره پیک، حسن، **نظریه جهت در اعمال حقوقی**، چ ۱، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۷۶.
۱۱. شایگان، سیدعلی، **حقوق مدنی**، چ ۱، قزوین: انتشارات طه، ۱۳۷۵.
۱۲. شفائی، محمدرضا، **بررسی تطبیقی نظریه اوضاع و احوال در قراردادهای**، چ ۱، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.

۱۳. شعاریان، ابراهیم و ابراهیم ترابی، ترجمه و تطبیق اصول قراردادهای اروپا با حقوق ایران، چ ۱، تبریز: نشر فروزش، ۱۳۸۹.
۱۴. شهیدی، سید مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات (حقوق مدنی جلد ۱)، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
۱۵. شیروی، عبدالحسین، حقوق قراردادها؛ انتقاد، آثار و انحلال، تهران، چ ۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۶.
۱۶. صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۶، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۱۷. صفایی، سید حسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چ ۳، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۱۸. عدل، مصطفی، حقوق مدنی، چ ۲، تهران: نشر طه، ۱۳۸۵.
۱۹. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، چ ۴، تهران: انتشارات به‌شهر، ۱۳۴۹.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی)، چ ۱۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۴.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۶.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۶.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۶.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۵، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰.

۲۶. کاتوزیان، ناصر، **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، چ ۱۴، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۰.

۲۷. محقق داماد، سید مصطفی، جلیل قنواتی، سید حسن وحدتی شبیری و ابراهیم عبدی‌پور خرد، **حقوق قراردادها در فقه امامیه: توافق اراده ها، شرایط متقاعدان و مورد معامله**، ج ۲، چ ۳، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۳.

۲۸. معین، محمد، **فرهنگ معین**، ج ۱ و ۲، چ ۵، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.

۲۹. موسوی، سید محمد صادق، **مبانی نظری جهل و اشتباه و آثار آن بر اعمال حقوقی**، چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.

مقاله

۳۰. کریم پور آل هاشم، سید محمد تقی، سید محمد تقی علوی، محمد مظهری و ناصر مسعودی، «موجبات بطلان نسبی در حقوق فرانسه و ایران و امکان نظر سنجی در فقه امامیه»، **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، تهران: سال چهاردهم، ش ۵۹، صص ۱۶۸-۱۳۷، ۱۳۹۷.

ب) منابع عربی

۳۱. سنهوری، عبدالرزاق، **الوسیط فی شرح قانون مدنی الجدید**، ج ۱، دارالنشر قاهره، ۱۹۸۵ م.

ج) منابع انگلیسی

Books

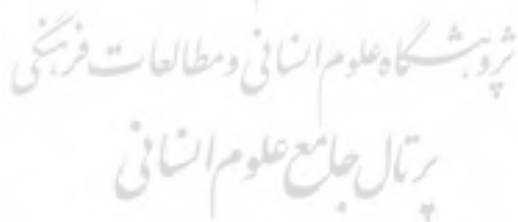
32. A. Mann, Richard and S. Robert, Barry, **Essentials of Busines Law and the Irgal Environment**, U.S.A: West, 1998.
33. Nwafor, Nduisi Augustine, **Comparative and Critical Analysis of the Doctrine of Exemption/ Frustration/ Force Majeuree under the United Nations Convention on the Contract for International sale of goods, English law and UNIDROT Principles**”, University of Stirling, Stirling, Scotland, 2015.

Articles

34. A. Kramer, Ernst, "Contractual Validity According to the UNIDROIT Principles", *European Journal of Law Reform*, Vol. 1, No.3, 1999.
35. "International Institute for the unification of Private law, Principles of international commercial contracts. Rome, European contract law-Part I and II". Boston: *commission on European contract law*, 2010.
36. Jansen, Nils and Reinhard, Zinmmern, "Contract Formation and Mistake in European Contract Law", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 64, No, 4, 2011.
37. M. Perillo, Joseph "Unidroit Principles of International Commercial Contracts: The Black letter Text and a Review", *Fordham law review*, Vol, 63, 1994.

Internet resource

38. "Analysis to the unidroit principles of International commercial contract", Available at: <https://www.primweus.com/business-law-articles/analysis-of-the-unidroit-principles-of-international-commercial-contract-2010.htm>.



Comparison of Conditions and Effects of Mistake in the Contract between Iran's Law and the Principles of International Commercial Contracts (UNIDROIT)

Ahmad YOUSEFI SADEGHLOU (Assistant Professor of Law, Islamic Azad University)

Ronak AMJADI (PhD Student of Private Law, Islamic Azad University)

Elham Sadat MORTAZAVI (PhD Student of Private Law, Islamic Azad University)

Abstract

In general, there is no distinction between the concept of mistake in the national rules and the principles of the international commercial contracts (UNIDROIT Principle). However, by examining the UNIDROIT Principles and comparing it with national rules regarding types of mistakes, their conditions and effects in the contracts, some similarities and differences can be revealed. Contrary to our legal doctrine and national rules, which have dealt with types of mistakes instead of extracting a comprehensive rule besides accepting the types of mistakes, UNIDROIT principles consider the conditions about the parties to the contract as a factor in accepting or rejecting effective mistakes in the contract and subsequently that Party's right to avoid it. Therefore, contrary to the national rules that accept the avoidance and the right of the cancellation, the UNIDROIT Principles have created an obstacle to the complete avoidance of the contract through providing solutions such as the right to avoid, contract adaptation and giving the right to claim damages. In order to clear the existing ambiguity in national rules regarding effective mistake and compare them with UNIDROIT Principles, this research comparatively examines the concept, conditions and the effects governing the issue in the contracts in the Iran's Civil Law and UNIDROIT Principles through analyzing the rules and detecting their similarities and differences to achieve solutions regarding contractual stability and certainty both nationally and internationally.

Keywords:

Defects of Will, Effective Mistake, Mistake Conditions, Principles of International Commercial Contracts, Unidroit